

## توسعه، میوه عقلانیت فرادینی است

پرسش و پاسخ با دکتر ابوالقاسم فنایی درباره نسبت عقلانیت، دین و توسعه

در مورد پیش‌فرض‌های عقلانیت است، (۲) یا در مورد نحوه تطبیق قواعد عقلانیت بر موارد خاص، و (۳) یا در مورد نتیجه این تطبیق.

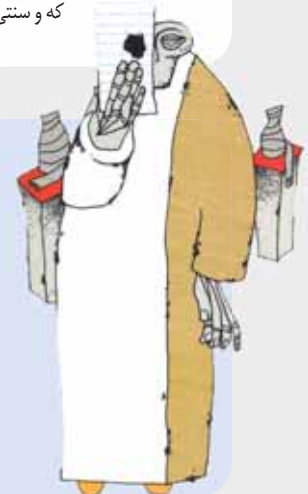
به عنوان مثال، یکی از موارد اختلاف بین پیش‌فرض‌های عقلانیت در جهان سنتی و جهان مدرن عبارتست از «امکان دسترسی به یقین منطقی». قداما بر این باور بودند که یقین منطقی سهل‌الوصول است، در حالی که معرفت‌شناسان مدرن بر این باورند که چنین یقینی، اگر در اصل امکان آن تردید روا نداریم، صرفاً در قلمرو منطق و ریاضیات قابل حصول است. معنای این سخن این است که در سایر قلمروها ما باید به دلایل ظنی، و جمع و تفريق ظنون قناعت کنیم و حق نداریم ادعای قطع و یقین منطقی کنیم. این اختلاف به تعریف عقلانیت بر نمی‌گردد، بلکه به اختلاف در مورد نوع و میزان اعتبار دلایل در دسترسی که قرار است موجودات عاقل میزان پایبندی خود به باورهایشان را با آن دلایل تناسب ببخشند و موزون کنند برمی‌گردد. خود عقلانیت، طبق تعریفی که کردم، فراتاریخی یعنی فراسنتی‌فرامدرن است و تغییری نکرده است.

این وقتی است که ما به «عقلانیت» همچون مقوله‌ای «هنجاری»/«تجویزی» یا «توصیه‌گرانه» بنگریم، یعنی به دنبال این باشیم که ببینیم عقلانیت از ما چه می‌خواهد و مقتضیات آن در این یا آن مورد چیست و ما به عنوان موجودات عاقل، از آن نظر که عاقلیم، چه حقوق و وظایفی بر عهده داریم. اما از منظر دیگری هم می‌توان به مقوله‌ی عقلانیت نگریست و آن منظر «توصیفی» است، نه «هنجاری». از این منظر می‌توان ادعا کرد که عقلانیت سنتی با عقلانیت مدرن فرق دارد. در واقع در این‌جا ما در مقام این هستیم که تلقی و برداشت انسان سنتی و انسان مدرن از عقلانیت را «توصیف» کنیم و برداشت و تلقی این دو گروه از عقلانیت ممکن است با یکدیگر تفاوت داشته باشد. به عنوان مثال، در تلقی فقهی رایج از عقلانیت، تنها «ظنون نقلی» معتبر محسوب می‌شوند و ظنون عقلی و تجربی به کلی فاقد اعتبارند. بر وفق این دیدگاه، ما حق نداریم باورهای خود در مورد احکام شرعی را با دلایلی ظنی عقلی یا تجربی بسنجیم و موزون کنیم. این یک تبعیض معرفت‌شناسانه بین دلایل عقلی و تجربی از یک‌سو و دلایل نقلی از سوی دیگر است که به تعطیل شدن عقل شهودی و عقلی تجربی در برابر عقل مسموع در قلمرو دین و اخلاق می‌انجامد. در حالی که در عقلانیت عرفی وقتی که به هر علت یا دلیلی نوبت به عمل بر اساس دلایل ظنی می‌رسد، بین ظنون عقلی و تجربی و ظنون نقلی هیچ فرقی نیست و این دلایل از درجه واحدی از اعتبار و قوت

ابوالقاسم فنایی استاد کنونی مؤسسه مطالعات اسلامی بیرمنگام، از دانش‌آموختگان حوزه علمیه قم است که دوره دکتری در رشته «فلسفه اخلاق» را در دانشگاه شفیلد به پایان رسانده است. اگرچه حوزه تخصصی مطالعات و تحقیقات فنایی فلسفه اخلاق است و عناوین آثار تألیفی و ترجمه‌ای او نیز دلالت بر همین امر دارند اما به تناسب زمینه‌ها و پیوندهای علمی-اجتماعی این گونه مباحث، وی به عرصه‌هایی چون معرفت‌شناسی و دین پژوهی نیز گام نهاده است. فنایی برای تبیین نسبت دین و اخلاق در دنیای متجدد از منطق سکولاری که آن را «عقلانیت فرادینی» و «شریعت عقل» می‌خواند، استفاده می‌کند. آقای فنایی با حوصله فراوان به پرسش‌های خراسان درباره بنیان‌های اخلاقی و عقلانی توسعه به ویژه با توجه به آنچه در کتاب «اخلاق دین‌شناسی» آمده، پاسخ مکتوب گفته است.

### تعریف عقلانیت چیست؟ آیا عقلانیت، سنتی و مدرن یا قدیم و جدید دارد؟

در یک تعریف نه چندان دقیق و در عین حال راهگشا می‌توان گفت که عقلانیت عبارتست از پیروی از ارزش‌ها/هنجارهای عقلانی در مقام عمل، به شرطی که عمل را به وسیع‌ترین معنای کلمه در نظر بگیریم، که شامل رفتارهای ذهنی و باطنی اختیاری هم بشود. این ارزش‌ها و هنجارها از عقل سرچشمه می‌گیرند یعنی دستورات عقل عملی در زمینه‌های گوناگون هستند. مثلاً، اگر عقلانیت نظری را به «تناسب دلیل و مدعا» تعریف کنیم، می‌توانیم بگوییم که این تعریف بیانگر یک «هنجار عقلی»/«حکم عقل عملی» است؛ هنجار یا حکمی که بیانگر وظیفه ما به عنوان موجودات عاقل در مقام پذیرش یا رد یک ادعاست و آن وظیفه عبارتست از تناسب بخشیدن به میزان اعتقاد نظری و پایبندی عملی که یک ادعا با دلیلی که به سود آن در دست است. این وظیفه‌ای است که عقل عملی در قلمرو نظر و در مقام تحقیق و پژوهش در مورد باورها بر دوش موجود عاقل می‌گذارد. البته دیدگاه‌های دیگری نیز در این مورد وجود دارد. اما در سراسر این گفتگو من بر اساس این تعریف سخن می‌گویم. با مفروض گرفتن این تعریف می‌توان ادعا کرد که عقلانیت مقوله‌ای است «فراتاریخی» که و سنتی و مدرن یا قدیم و جدید ندارد. اختلافی اگر هست (۱) یا



### نگاهی به کتاب «اخلاق دین‌شناسی»

«اخلاق دین‌شناسی» دومین کتاب از سه‌گانه‌ای است که ابوالقاسم فنایی قصد تکمیل و ارائه آن را دارد. او پیش از این کتاب «دین در ترازوی اخلاق» را توسط انتشارات صراط به چاپ رسانده و گویا در آینده‌ای نزدیک، کتاب دیگری به نام «اخلاق دین‌داری» را نیز به دست چاپ خواهد سپرد. اگرچه فنایی پرسش اصلی کتاب حاضر را چالش میان حق خدا و حقوق بشر می‌داند و با مفروضاتی همچون تقدم انسانیت بر اسلامیت و انسان‌شناسی بر اسلام‌شناسی، به تقدم حقوق بشر بر دین می‌رسد، خود در پیش‌گفتار کتاب بر این نکته تأکید و تمرکز می‌کند که اخلاق دین‌شناسی را باید پژوهشی در باب «عقلانیت فقهی یا مبانی عقلانی فقه» قلمداد کرد. به همین دلیل وی در فصل اول به نقد تلقی فقیهانه